

گداهای ترسناک

ما چندجور گدا داریم؛ یک عده به اندازه کلاهشان گدایی می‌کنند و احتمالا با چند سکه و اسکناس، کارشان راه می‌افتد. یک گروه هم کارشان از کلاه گذشته و در مقیاس گاو صندوق باید گدایی کنند تا دخل و خرجشان یکی شود. به گروه اول می‌شود کمک کرد ولی درمورد گروه دوم باید آرزو کنیم یکی به ما در مقابلشان کمک کند.



وژنه آخر هفته

یادداشت

داستان ما و برند ایران

حتما درباره اثر پروانه ای شنیده اید؛ همان نظریه ای که توضیح می‌دهد چطور بال زدن یک پروانه در یک سوی اقیانوس، می‌تواند در سوی دیگر طوفانی به راه بیندازد. این همان اثری است که محدودیة وضعیت‌آب و هوا نیست و درباره بسیاری دیگر از حوزه‌ها نیز مصداق دارد. این وضعیت در عصر جهانی شدن باشدت بیشتری بر جستگی پیدای می‌کند؛ مثلا اگر در یک کشور تعرفه‌های تجاری دستخوش تغییر شود، حتما در کشوری دیگر روند تولید با مسائلی روبه‌رو می‌شود. در کشور ما هم موضوع همین گونه است؛ مثلا اگر در اهواز باران آسیدی، ده هانفراد چارمشکل تنفسی کند، در مشهد، شهروندان دچار نگرانی می‌شوند و اگر در مشهد برای رفاه زائران تصمیم‌هایی گرفته شود، آن وقت باعث خوشحالی شهروندان در اهواز می‌شود.

بنابراین نباید اتفاقات اطرافمان را از یکدیگر جدا در نظر بگیریم. امروز همه چیز بر همه چیز اثرگذار است. یکی از مشکلاتی که امروز دچارش هستیم، نهمین نهمین موضوع ساده است. همه، همه چیز را از یکدیگر جدا در نظر می‌گیرند. مدیری، تخلف مدیر دیگر را نه تنها برای خودش ضعف تصور نمی‌کند، بلکه حتی ممکن است دچار این خطای مجاسباتی شود که اشتباه مدیر دیگر، ممکن است چهره او را در میان افکار عمومی مثبت جلوه دهد، با این حال واقعیت این است که خطای یک مدیر، موقعیت مدیر دیگر را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد.

همین وضعیت درباره شهروندان نیز وجود دارد و تنها متوقف به مسائل سیاسی و مدیریتی نیست. همان طور که رفتار اشتباه یک مدیر، مردم را از همه مدیران دلسرد می‌کند و همه را به سیستم مدیریتی کشور بدبین، اشتباه یک شهروند نیز اعتبار کل جامعه را خدشه دار می‌کند.

اعتباری که یک جامعه برای خودش به دست آورده است، اعتباری ناشی از رفتارهای درست و تک‌تک شهروندان است. یک جامعه خوب، جامعه‌ای است که همه شهروندان در آن

انتخاب‌های درستی می‌کنند، اما جامعه‌بد، جامعه‌ای است که رفتارهای اشتباه چنان در آن تکرار می‌شود که دیگران را به کل جامعه بدبین می‌کند.

متأسفانه در ایران، برخی از ما شهروندان درباره ریزفت‌ها ایمان دقت لازم را نداریم. ما به این موضوع کمتر اندیشیم که با یک اشتباه کوچک، چطور از اعتبار کل جامعه هزینه می‌کنیم و همه را به هم بدبین می‌سازیم. یک کلاهبرداری ساده، یک دزدی کوچک، یک دروغ مصلحتی، یک غیبت کوتاه و یک تهمت شخصی، می‌تواند اعتبار همه جامعه ایرانی را کاهش دهد.

بنابراین اگر اثر پروانه‌ای بر روی همه اتفاقات اطرافمان را بی‌توجهیم و این نکته مهم را در نظر بگیریم که یک پرونده فساد، به سادگی کل دولت و نظام سیاسی را می‌تواند زیر سوال ببرد، آن‌گاه درک این مسئله چندان سخت نیست که خطای تک‌تک شهروندان می‌تواند کل یک جامعه را درگیر خود کند. شهروندی که در رانندگی خطا می‌کند، فقط به خود دیگر رانندگانی که اطرافش حضور دارند آسیب‌نمی‌زند، بلکه اعتبار کل جامعه را کاهش می‌دهد؛ درست مانند خطای کارمندی که برند یک شرکت را زیر سوال می‌برد.

ایران برای همه ما یک برند است. ایران فقط یک برند سیاسی یا یک برند اقتصادی نیست، برندی فراتر از این‌هاست. ایران یک برندی ملی است که همه ما باید برای حفظ آن بکوشیم. برند ایران را فقط مدیران و سیاستمداران و دولتمردان حفظ نمی‌کنند؛ البته نقش آن‌ها در حفظ این برند اهمیت بسیار دارد اما تک‌تک شهروندان ایرانی در این زمینه نقش دارند.

به تازگی محمدجواد ظریف درباره اینکه برای حفظ برند ایران از خیر حفظ برند شخصی خود عبور کرده، سخن گفته است اما اگر همه ما برای حفظ این برند و اعتبار بین‌المللی آن بکوشیم، دیگر نیازی نیست که کسی از برند شخصی اش بگذرد، کافی است همه در ریزفت‌ها ایمان آن‌گاه که می‌خواهیم وارد خیابانی ورود ممنوع شویم یا آن زمان که اراده می‌کنیم زباله‌ای را از اتومبیل به بیرون پرت کنیم، مدرک جعلی بگیریم یا رشوه بدهیم، تجدید نظر کنیم و هر وقت که به خاطر منافع کوتاه مدت، خواستیم گامی بر خلاف مصالح عمومی برداریم، از خود برسیم که چقدر از هزینه این اشتباه را برای «ایران» پرداخت کند. اعتبار ایران بسیار زیاد است اما این اعتبار مانند هر سرمایه دیگری روزی ته می‌کشد. بهتر است تا این اعتبار تمام نشده است، برای حفظ و حتی افزایش آن کوشش کنیم. این راهکار شاید بیش از مهاجرت، بتواند سختی‌های زندگی در این جامعه را برایشان کاهش دهد. ●



مصطفی انتظاری هروی روزنامه‌نگار و فعال رسانه

جا کتابی



لازمه زندگی در عصر تمدنی جدید

راستگو | بیش از ۲۵ سال است که اینترنت به کشورمان آمده است. در این سال‌ها بارها درباره سواد مجازی صحبت‌ها و نظریه‌پردازی‌هایی شده است، اما کتابی که به صورت جامع بتواند به اینترنت و سواد مجازی بپردازد، وجود نداشت. حالا انتظارها به سر آمده است و بالاخره بیستمین ماه، کتاب «اینترنت و سواد مجازی» در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات رونمایی شد.

در این کتاب به صورت جامع به سواد مجازی پرداخته شده است. دکتر سعیدرضا عاملی و ابراهیم محسنی آهویی، نویسندگان این کتاب، حضور مفید و موثر در جهان امروز و زندگی در عصر تمدنی جدید را نیازمند سواد مجازی می‌دانند. این کتاب در شش فصل نوشته شده است و بخشی هم به عنوان نتیجه‌گیری دارد. در چهار فصل ابتدایی به مفاهیم، رویکردها، الگوها و گفتمان‌های غالب سواد مجازی پرداخته شده است و فصل‌های پنجم و ششم نظریات مرتبط به کاربرد سواد مجازی در آموزش و کاربرد این سواد در اشتغال است.

یونس شکرخواه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، این کتاب را درخور اهمیت دانسته است. او در مراسم رونمایی کتاب گفته است: «دوستان در فضایی پا گذاشتند که زیاد درپا جلویشان نبوده است. دکتر عاملی سال‌هاست درمورد مفهوم دوقضایی شدن کار می‌کند و در این کتاب می‌گویند باید به تغییر سمرشک دقت کنیم تا ببینیم مسیر ما کجاست. این عزیزان به پدیده‌های پرداختند که در قلب آن فناوری وجود دارد.

کتاب اینترنت و سواد مجازی، دچار مرگی سریع نخواهد شد. این کتاب سرشار از رده‌های فراوان برای دانشجویان، علما و علاقه‌مندان این حوزه است. این کتاب یک منظره فکری است که هر کس بنا به علاقه خود، می‌تواند در قسمتی از آن اتراق کند. «طالب‌پور، رئیس پژوهشکده فضای مجازی دانشگاه شهیدبهشتی، هم منابع این کتاب را متنوع و جالب می‌داند. او معتقد است نظمی مناسب در فصول کتاب که موضوعی مهم

و مبتلا به دارد، به چشم می‌خورد. حسین کلانتری، نوسرست پژوهشگاه فضای مجازی و استاد دانشگاه، هم موضوع کتاب اینترنت و سواد رسانه‌ای را مهم دانسته و گفته است: یکی از مباحثی که خلأ آن را حس می‌کردیم، سواد مجازی بود. امیدوارم کتاب اینترنت و سواد مجازی بتواند راهگشا باشد.

کتاب اینترنت و سواد مجازی را در ۳۶۱ صفحه با قیمت ۴۱ هزار تومان، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات به چاپ رسانده است. ●



خرید اینترنتی کتاب

فیلم بین



نجات از پشت تلفن

ارژنگ حاتم | فیلم The Guilty (گناهکار) بهترین فیلم تلویزیونی سال ۲۰۱۸ لقب گرفته است؛ فیلمی که به تمام فیلم‌سازان جهان ثابت کرد نبود تجهیزات و بودجه، فقط بهانه‌ای است برای ساخته شدن فیلم‌هایی که می‌تواند جذابیت، هیجان و تاثیرگذاری را با هم داشته باشد. تمام اتفاقات این فیلم در یک اتاق شکل می‌گیرد. تنها امکاناتی که در این فیلم به کار رفته است، یک هدست است و یک تلفن. این فیلم تجربه تخیل است و بدون حتی یک صحنه تعقیب‌وپروگریز چنان هیجانی به بیننده می‌دهد که اگر نگوئیم بیشتر از فیلم‌های پرخرجی همچون «سرع و خشن‌هاست، کمتر از آن‌ها هم نیست.

داستان فیلم درباره آسگر هولم، افسر پلیسی است که باعث مرگ جوانی شده و به همین دلیل و برای مشخص شدن تکلیفش، چندروز به بخش اورژانس اجتماعی تبعید شده است؛ اتاقی تاریک و اختیاراتی که در نهایت همان تلفن است و هدست. آسگر، نماد وجدان کاری است. درست است که دیگر یک افسر پلیس نیست و به یک پاسخ‌گوی تلفن تنزل مقام پیدا کرده است، اما او نشان می‌دهد که در هر موقعیتی می‌توان تاثیرگذار بود و هرچند تفنگ و دستبندش را از او گرفته‌اند، او سعی می‌کند با همان هدست و تلفن، خدمت کند و تاثیرگذار باشد. آسگر در محیطی که دیگر همکارانش وظیفه‌شان را چندان جدی نمی‌گیرند و در حال استراحت و تفریح هستند، وقتی جان زنی را در خطر می‌بیند، با نهایت وجدان کاری می‌خواهد به وظیفه انسانی‌اش عمل کند. تنوع قاب در این فیلم باعث می‌شود

فیلم از ریتم نیفتد. به جرت می‌توان گفت حتی یک دقیقه از فیلم ۸۵ دقیقه‌ای «گناهکار» حوصله شمارا سر نمی‌برد. اطلاعات فیلم به صورت بسیار منطقی توزیع می‌شود. فیلم دو نقطه اوج دارد که مخاطب را شگفت‌زده می‌کند و دارای پایانی تاثیرگذار است که فضاهای زود هنگام ما را به چالش می‌کشد. گناهکار محصول سال ۲۰۱۸، دومین ساخته گوستاو مولر، فیلم‌ساز جوان دانمارکی، است. امتیاز این فیلم در سایت IMDb ۷.۵ است و ۸۸ درصد کاربران گوگل آن را پسندیده‌اند. این فیلم همچنین جایزه اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان را در نود و یکمین مراسم اسکار از آن خود کرده است. ●



تلفن فیلم‌های جدید

به وقت گشت و گذار

جواد خواجوی عاشق بهداد می‌شود!

«یک جوان عاشق سینما و حامد بهداد که رؤیای بازیگر شدن دارد، در سالن انتظار یک نمایش با شخصی روبه‌رو می‌شود که خود را پسر خاله حامد بهداد معرفی می‌کند». این خلاصه داستان تئاتر «عشق من حامد بهداد» است؛ نمایشی که چند روز است در تماشاخانه «استاد حسین نوری» (واقع در حوزه هنری) روی صحنه می‌رود و پیشنهاد می‌کنیم به تماشای آن بروید. این نمایش چند ویژگی مثبت دارد که باعث شده است امروز همه بلیت‌هایش پیش خرید شوند؛ اول اینکه یک کم‌دی اجتماعی مطرح است. دوم اینکه سوزهای فیلم یک سلبریتی مشهور یعنی حامد بهداد است و نکته سوم اینکه در بین بازیگران آن اسم جواد خواجوی به چشم می‌خورد؛ اینفلوئنسری که بابت دوبله‌هایش بالهجه مشهوری در اینستاگرام، محبوبیت زیادی دارد.

بزم رنگ‌ها و برگ‌ها در «کردینه»

در این روزهای آبانی هر کدام از روستاهای بیلابلی، می‌تواند مقصد مناسبی برای برنامه‌های پاییزگردی باشند؛ البته یکی دو روستا هستند که به خاطر موقعیتشان، وضعیت مناسب‌تری برای پاییزگردی دارند. «کردینه» یکی از آن‌هاست. کردینه، روستایی کمتر دیده‌شده در محور گردشگری طریقه است. رسیدن به کردینه دو راه اصلی دارد؛ اولی مسیری است که از جعفری شروع می‌شود. این مسیر، مسیر پیاده‌روی یا دوچرخه‌سواری است. این راه، از کنار رودخانه و از دل باغ‌های گزدر و سرانجام به روستای کوچک کردینه می‌رسد. مسیر دوم، مسیر ماشین‌روست. این راه از طرفدر در حاشیه طریقه آغاز می‌شود و پنج کیلومتر مانده به دهبار، در سمت راست، یک مسیر خاکی چهار کیلومتری، شما را به کردینه می‌رساند.

گفت‌وگوی روز

عکس تولد روحانی و حاشیه‌هایش

نگاهی به کامنت‌های مردم پای عکس جشن تولد رئیس‌جمهور در وگ‌با رحمانی فیروزجاه

هم از کلمات رکبک استفاده کرده‌اند. این سواى ارتباط با رئیس‌جمهور، نشان دهنده این موضوع است که ادبیات، فرهنگ و ارزش‌های جامعه ما به چه سمتی می‌رود؛ البته ما نباید این‌ها را به دید منفی بگیریم. همان‌طور که گفتیم، به قول بدیو این یک رویداد است که مسائل اجتماعی خودش را در آن نشان می‌دهد. یک نوع پرسش‌نامه است. باید دقت کنیم که آدم‌هایی که آنجا کامنت گذاشته‌اند، نماینده کل جامعه نیستند اما بالاخره آن کامنت‌ها، بخشی از واقعیت‌های جامعه را نشان می‌دهند.

باید مبادی بروز اعتراض و اظهار نظر داشته باشیم

ایجاد فضایی برای بیان نظرها و نگرش‌ها و انتقادهای مردم، می‌تواند به متناسب شدن حرف و مکان بروز آن کمک کند. این نکته پایانی‌ای است که این جامعه شناس به آن اشاره می‌کند: «باید مبادی دیگری برای بیان اظهارات و نگرش‌های مردم ایجاد شود که بتوانند حرفشان را ولو تند و صریح بزنند، حتی اگر فحش می‌دهند، به نظر من اشکالی ندارد؛ چون در این کامنت‌ها می‌شود واقعیت‌هایی را کشف کرد، سواى صورت ادبی آن. در قدیم که صفحه‌ها و بیخ‌ها نبود، در دانشگاه و جاهای مختلف وقتی به دستشویی می‌رفتی، می‌دیدى با خودکار و مازیک چیزهایی نوشته‌اند. در کلاس و در سالن جور دیگری نقد می‌کردند و به طور کلی باتوجه به فضا نقدها را مطرح می‌کردند. اینکه پای عکس تولد رئیس‌جمهور چنین حرف‌هایی می‌بینیم، به نظر من برمی‌گردد به اینکه جامعه آن فضای نقد را ایجاد نکرده است و اگر در دیدار با رئیس‌جمهور فضا آن قدر باز بود که جوانان و مردم می‌آمدند نقدشان را به راحتی بیان می‌کردند، شاید در فضاهای اجتماعی این حرف‌ها رانمی‌زدند.» ●



فصل هستند. بیشتر کامنت‌ها هم به نوعی منفی است و اغلب درمورد مسائل و مشکلات جوانان است. این موضوع را هم نمی‌شود ربط داد به خوشی یا ناخوشی رئیس‌جمهور. می‌شود گفت این یک نوع نظرسنجی از مسائل و مشکلات جامعه است. وقتی کامنت‌ها را بررسی می‌کنی، می‌بینی که از اشتغال و ازدواج جوانان، مشکلات اجتماعی، انحرافات، فساد و مانند این‌ها بحث می‌کنند. من معتقدم اگر عریز از رئیس‌جمهور، مسئولان رده بالای دیگر جامعه هم چنین عکسی می‌گذاشتند، همین کامنت‌ها را می‌دیدیم.



رضوانی | عکس خندان رئیس‌جمهور در هواپیما کنار خدمه پرواز و در حالی که قرار است شمع هفتادویک سالگی کبک تولدش را فوت کنند، در فضای مجازی سرسودا به پا کرد و مورد توجه قرار گرفت. اینکه فضای مجازی مستعد جنجال است، دیگر امری بدیهی به حساب می‌آید اما اینکه چند هزار کامنت تندوتیز پای پست عکس تولد حسن روحانی قرار بگیرد، آن هم عکس جشن تولدی که به خودی خود مراسمی ساده با کیکی کوچک و عادی و بدون تجملات است، نشان می‌دهد که موضوع مربوط به خوشی ثبت شده روحانی نیست. گویا این عکس محملی شده است برای بیان مشکلات یا گله‌های دیگر. دکتر علی رحمانی فیروزجاه، دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد بابل، در گفت‌وگو با شهرآر، به همین موضوع اشاره می‌کند و کامنت‌های پای این پست را نوعی نظرسنجی از وضع بخشی از جامعه می‌داند.

رخدادها؛ محمل بروز پدیده‌های اجتماعی این استاد دانشگاه در ابتدا با اشاره به مفهومی از آلن بدیو، فیلسوف و نویسنده فرانسوی، می‌گوید: بدیو مفهومی دارد به نام روخداد یا EVENT. او در این مفهوم می‌گوید پدیده‌های اجتماعی در حالت عادی رؤیت‌ناپذیر هستند و در رخدادها خودشان را نشان می‌دهند؛ به عنوان مثال در سیل، زلزله، فوت یک تماشاگر در ورزشگاه یا نمونه‌هایی از این دست است که مردم شروع می‌کنند به اظهار نظر کردن و از آن اظهار نظر‌ها می‌شود فهمید که در دل جامعه چه خیراست. رحمانی سپس درمورد عکس جشن تولد رئیس‌جمهور و حاشیه‌های آن توضیح می‌دهد: من وقتی کامنت‌ها را مرور می‌کردم، می‌دیدم که بیشتر آن‌ها نوشته جوانان است و این هم طبیعی است؛ چون جوانان بیشتر در شبکه‌های اجتماعی